

«شرق» اهمیت احیای برجام به موازات بهبود مناسبات منطقه‌ای تهران را بررسی می‌کند

برجام آسیایی؟

عبدالرحمن فتح‌الله: ۱۹ اسفند ۱۴۰۱ و امضای توافق سه‌جانبه یکن کماکان محافل رسانه‌ای و سیاسی در منطقه و جهان احیای روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می‌دهند و همچنان تبعات آن را بر تحولات غرب آسیا و فراتر از آن تحلیل می‌کنند، چراکه ازسرگیری مناسبات دوجانبه تهران - ریاض سرآغازی بر اتفاقات مهم دیگری نظیر توافق عربستان با انصارالله و پایان جنگ یمن، نزدیکی ریاض و دمشق و ترمیم شکاف جریان‌های فلسطینی با عربستان بود. البته امکان وقوع رویدادهای دیگری از جمله ترمیم مناسبات منطقه‌ای ایران و ازسرگیری روابط با کشورهای نظیر بحرین، اردن و مصر هم وجود دارد. از این رو به نظر می‌رسد همچنان این اتفاق (احیای روابط ایران و عربستان) مورد توجه رسانه‌ای باشد.

بررسی دستاوردهای تهران از احیای روابط با ریاض در گفت‌وگو با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه

عبدالرحمن فتح‌الله: با وجود آنکه توافق سه‌جانبه یکن و احیای روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در این مدت از نگاه کارشناسان و ناظران امر بررسی شده است و از زوایا و سطوح تحلیلی مختلف همه از آن به‌عنوان یک اقدام مثبت و قابل دفاع در سیاست خارجی یاد می‌کنند؛ اما هم‌زمان این سؤال کلیدی هم ذهن را به خود مشغول کرده که در صحنه عمل و تا به اکنون دستاورد این توافق برای تهران چه بوده است؟ این در حالی است که عربستان سعودی توانسته تنها به فاصله ۱۴ روز از دیدار حسین امیرعبداللّهیان و فیصل بن فرحان در یکن با کارت ایران به تنش‌های خود با انصارالله و حوثی‌های یمن پایان داده و از آن سو مسیر تعامل با سوریه را از سر بگیرد. درعین حال شکاف سال‌های اخیر بین گروه‌های فلسطینی با ریاض هم بر شده است. شاید در مقابل به نظر برسد که ایران هم توانسته است با کارت عربستان مناسبات منطقه‌ای خود را با دیگر کشورها نظیر بحرین یا مصر و اردن بهبود ببخشد؛ اما سرعت سیاست تنش‌زدایی عربستان در ۴۰ روزی که از امضای توافق یکن می‌گذرد، در مقابل روند زمان بر احیای روابط تهران با منامه، قاهره و امان نشان می‌دهد که سعودی‌ها به دستاوردهایی متفاوت از تهران رسیده‌اند. ضمن آنکه باید پرسید در نهایت احیای روابط ایران با عربستان، بحرین، اردن و مصر چه آورده‌ای در حوزه اقتصادی و تجاری، آن هم در شرایط تحریمی کنونی خواهد داشت؟ این سؤال از آن نظر اهمیت مضاعف دارد که تهران در سال‌های اخیر با پررنگ‌شدن مقوله تحریم سعی کرده نگاه پررنگ‌تری به تقویت دیپلماسی اقتصادی داشته باشد؛ اما اینکه چه دلیل یا دلایلی سبب شده است که شاید انتی‌ان طور که باید دستاورد مهم و ملموسی را از این توافق برای ایران تصور کرد، محور گفت‌وگوی «شرق» با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه است. در کپ‌وگفتی که با این تحلیلگر حوزه سیاست خارجی داشتیم، سعی شده از جنبه دیگری هم به موضوع ورود کرده و به بررسی دقیق‌تر اهمیت احیای روابط ایران و عربستان و تأثیرگذاری آن بر دیگر چالش‌های حوزه سیاست خارجی تهران و مشخصاً آینده مذاکرات هسته‌ای و احیای آن پرداخته شود.۰۰

موضوعات ایران به نتیجه نرسید، نتوانست به دستاورد ملموسی

دست پیدا کند. باید اذعان کرد که بخشی از چالش‌های ایران به قوت خود باقی است.

♦ **به نکته بسیار مهمی اشاره کردید. آیا این گفته شما ناظر بر این واقعیت است که احیای روابط ایران و عربستان و بهبود مناسبات منطقه‌ای در سایه پالس‌های مثبت بحرین، مصر، اردن و… می‌تواند گزینه آلترناتیو و سناریوی جایگزینی برای حل‌وفصل دیگر موضوعات سیاست خارجی، به‌ویژه پرونده هسته‌ای و احیای برجام باشد؟**

خیر، چنین نیست. باز هم تکرار می‌کنم که باید از توافق ایران و عربستان به‌عنوان یک گام مثبت دفاع کرد؛ اما این سیاست تنش‌زدایی باید در دیگر حوزه‌های حساس‌تر و مهم‌تر مانند حوزه هسته‌ای و برجام و همچنین چالش‌های مربوط به FATF ادامه پیدا کند.

♦ **فقط چالش هسته‌ای برجام و اف‌ای‌تی‌اف مطرح نیست؛ بلکه جنگ اوکراین و همچنین رخدادهای داخلی هم مطرح هستند. به هر حال شما جزء منتقدان جدی برخی مواضع درباره حمله روسیه به خاک اوکراین و موضوع بهباد هستید.**

من اعتقادم بر این است که در دنیای امروز کشورها به شکل زیرکانه‌تری سعی دارند خود را از حوزه‌های تنش خارج کنند. ما دیدیم عربستان تنها به فاصله یک ماه بعد از توافق با ایران خود را از دو کلان تنش جنگ یمن و اختلافات با سوریه خلاص کرد و چین هم از یک تنش ناخواسته و ثانمی منطقه‌ای در خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس که می‌توانست بر امنیت اقتصادی، سرمایه‌گذاری و امنیت انرژی او در آبراهه اثر بگذارد، جلوگیری کرد؛ اما تنها کشوری که به نظر می‌رسد خود را با تنش در هم آمیخته، ایران است؛ کم‌اینکه در همین بیش از یک سالی که از جنگ اوکراین می‌گذرد، به نظر می‌رسد تنها کشوری که به اندازه روسیه در این جنگ گرفتار شده، ایران است؛ تا جایی که هزینه‌هایی که ایران در قبال جنگ اوکراین پرداخت کرده، بیشتر از دیگر هم‌راهان روسیه در این جنگ بوده است؛ چون هم‌راهان روسیه با نگاه هزینه و فایده سعی کردند خود را از این تنش در جنگ اوکراین دور کنند. از طرف دیگر به نظر من یکی از دلایل مهمی که باعث شد عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی به دنبال احیای روابط با ایران باشند آن است که این بازیگران می‌کوشند پای خود را از تنش احتمالی ایران و اسرائیل یا تهران و واشنگتن بیرون بکشند. چون

اگر گونه که تهران بارها مطرح کرده است در صورت هرگونه درگیری امکان حمله به پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای عربی منطقه حاشیه خلیج فارس هم وجود دارد. طبیعی است که این کشورها با همان سیاست نومنطقه‌گرایی و احیای روابط با ایران سعی دارند ضمن آنکه به تقویت نفوذ خود در فضای منطقه‌ای جهانی دست پیدا می‌کنند، پای خود را از یک تنش ناخواسته هم بیرون بکشند. البته از مجموعه کشورهای عربی که به دنبال تنش‌زدایی با ایران هستند انتظار پیش‌کشیدن یک طرح ابتکاری برای کاهش تنش بین تهران و واشنگتن وجود ندارد، اما عملیاتی‌شدن آن سخت و پیچیده است. هرچند تلاش‌های نصفه و نیمه‌ای از سوی قطر، عمان و احتمالاً در هفته‌ها و ماه‌های آتی از جانب عربستان یا ژاپن و کشورهای جنوبی اروپا برای ازسرگیری مذاکرات ذیل یک طرح توافق جدید شکل خواهد گرفت، اما وجود این طرح‌ها و تلاش‌ها لزوماً به معنای آن نیست که شاهد ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای خواهیم بود، چراکه موانع و مشکلاتی بر سر آغاز این مذاکرات وجود دارد.

♦ **واقعا به چه دلیل یا دلایلی ایران همیشه در این نگرش منطقه‌گرایی و به قول شما خاکریزی گرفتار بوده است؟**
قبل‌تر عنوان داشتم سیاست خارجی ما در همان فضای دهه ۸۰ میلادی گرفتار است. این مسئله ناظر به تعریف قید «غرب» در سیاست خارجی است. در همین راستا هر رویکردی که در مقابل این قیدیت (غرب) قرار بگیرد، کشور در قالب آن رویکرد حاضر است. منافع خود را فدا کند. متأسفانه این نگاه تبدیل به یک تابو در سیاست خارجی کشور شده است که به کسی اجازه نقد و سزای زایل بردن آن داده نمی‌شود؛ بنابراین وقتی در داخل کشور برخی از تحلیلگران، کارشناسان و دلسوزان این هشدار را می‌دهند که عمر امروز در روابط

بین‌الملل، عصر تنش‌زدایی است بلافاصله ما شاهد هستیم که برخی جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای با پرچمسبزینی، توهین و حتی تهدید به این هشدارها و تذکرات پاسخ می‌دهند. اما واقعیت این است که هشدارها و تذکرات این دلسوزانی که در تلاشند تا ایران را از افتادن در کانون‌های بحران و تنش دور کنند روز به روز عینیت پیدا می‌کند. با این حال برخی جریان‌های سیاسی و رسانه داخلی که از هر ابزاری برای قراردادن ایران در کانون بحران و تنش‌های بین‌المللی استفاده می‌کنند هنوز هم با توهین، تحقیر و تهدید به دنبال ادامه این سیاست هستند و هیچ مسئولیتی را در قبال هزینه‌هایی که به مردم و

اینکه ما همواره به مسیر مذاکره و دیپلماسی پایبند بودیم و مسئولانه در میز مذاکرات حاضر شدیم. یادآور شد که ما توسعه روابط خارجی خود را موقوف به روند برجام مثلا پیشرفت یا عدم پیشرفت آن نکردیم. جمهوری اسلامی ایران دارای ظرفیت‌های فراوانی است و در معادلات منطقه‌ای به دلیل ظرفیت‌های مؤثر و تعیین‌کننده‌اش همواره یکی از اعضای اثرگذار در تحولات بوده است. سخنگوی دستگاه دیپلماسی ادامه داد که با توجه به ظرفیت‌های ملی جمهوری اسلامی ایران و تغییر شرایط بین‌المللی دولت ایران تلاش کرد از این فرصت در راستای تحول منافع ملی خود استفاده کند و در جهت هم‌گرایی هر چه بیشتر منطقه‌ای حرکت کنیم. کنعانی با اشاره به تحولات اخیر در منطقه، آن را نشان‌دهنده موفقیت رویکرد منطقه‌گرایی و سیاست همسایگی ایران دانست و خاطرنشان کرد که تهران در روابط خارجی خود را محدود به یک منطقه و بلوک خاص نمی‌کند و توسعه روابط با کشورهای مختلف مورد توجه ماست. فارغ از اینکه مواضع مطرح‌شده تا چه اندازه با واقعیت‌های جاری در صحنه سیاست خارجی ایران انطباق دارد، باید اذعان داشت نمی‌توان آینده مذاکرات هسته‌ای و احیای برجام را ولو با امضای توافق یکن و بهبود مناسبات منطقه‌ای تهران نادیده گرفت. باید پذیرفت که سمت‌وسوی مناسبات منطقه‌ای که روابط ایران با عربستان

بررسی دستاوردهای تهران از احیای روابط با ریاض در گفت‌وگو با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه

عبدالرحمن فتح‌الله: با وجود آنکه توافق سه‌جانبه یکن و احیای روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در این مدت از نگاه کارشناسان و ناظران امر بررسی شده است و از زوایا و سطوح تحلیلی مختلف همه از آن به‌عنوان یک اقدام مثبت و قابل دفاع در سیاست خارجی یاد می‌کنند؛ اما هم‌زمان این سؤال کلیدی هم ذهن را به خود مشغول کرده که در صحنه عمل و تا به اکنون دستاورد این توافق برای تهران چه بوده است؟ این در حالی است که عربستان سعودی توانسته تنها به فاصله ۱۴ روز از دیدار حسین امیرعبداللّهیان و فیصل بن فرحان در یکن با کارت ایران به تنش‌های خود با انصارالله و حوثی‌های یمن پایان داده و از آن سو مسیر تعامل با سوریه را از سر بگیرد. درعین حال شکاف سال‌های اخیر بین گروه‌های فلسطینی با ریاض هم بر شده است. شاید در مقابل به نظر برسد که ایران هم توانسته است با کارت عربستان مناسبات منطقه‌ای خود را با دیگر کشورها نظیر بحرین یا مصر و اردن بهبود ببخشد؛ اما سرعت سیاست تنش‌زدایی عربستان در ۴۰ روزی که از امضای توافق یکن می‌گذرد، در مقابل روند زمان بر احیای روابط تهران با منامه، قاهره و امان نشان می‌دهد که سعودی‌ها به دستاوردهایی متفاوت از تهران رسیده‌اند. ضمن آنکه باید پرسید در نهایت احیای روابط ایران با عربستان، بحرین، اردن و مصر چه آورده‌ای در حوزه اقتصادی و تجاری، آن هم در شرایط تحریمی کنونی خواهد داشت؟ این سؤال از آن نظر اهمیت مضاعف دارد که تهران در سال‌های اخیر با پررنگ‌تری به تقویت دیپلماسی اقتصادی داشته باشد؛ اما اینکه چه دلیل یا دلایلی سبب شده است که شاید انتی‌ان طور که باید دستاورد مهم و ملموسی را از این توافق برای ایران تصور کرد، محور گفت‌وگوی «شرق» با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه است. در کپ‌وگفتی که با این تحلیلگر حوزه سیاست خارجی داشتیم، سعی شده از جنبه دیگری هم به موضوع ورود کرده و به بررسی دقیق‌تر اهمیت احیای روابط ایران و عربستان و تأثیرگذاری آن بر دیگر چالش‌های حوزه سیاست خارجی تهران و مشخصاً آینده مذاکرات هسته‌ای و احیای آن پرداخته شود.۰۰



کشور تحمیل کرده و می‌کنند، نمی‌پذیرند.
♦ **بعد از سفر رافائل گروسی به تهران و توافق ایران و آژانس همه چیز در یک فضای سکوت و بی‌خبری قرار گرفته است. هیچ تحرکی از جانب هیچ طرفی دیده نمی‌شود. حتی اروپایی‌ها و آمریکا هم دیگر موضع‌گیری در قبال توافق با ایران، احیای برجام و موضوع پرونده هسته‌ای ایران ندارند. مجموعه این نکات برخی تحلیلگران را به این باور رسانده است که اکنون هیچ طرفی چندان میل و رغبتی به مذاکره ندارد. در عین**

♦ **بعد از سفر رافائل گروسی به تهران و توافق ایران و آژانس همه چیز در یک فضای سکوت و بی‌خبری قرار گرفته است. هیچ تحرکی از جانب هیچ طرفی دیده نمی‌شود. حتی اروپایی‌ها و آمریکا هم دیگر موضع‌گیری در قبال توافق با ایران، احیای برجام و موضوع پرونده هسته‌ای ایران ندارند. مجموعه این نکات برخی تحلیلگران را به این باور رسانده است که اکنون هیچ طرفی چندان میل و رغبتی به مذاکره ندارد. در عین**

حال این گزاره تحلیلی هم مطرح است که دولت بایدن بعد از برخی رخدادها درخصوص ایران دچار تغییر رویکرد شده و سیاست «نه توافق، نه بحران» را در پیش گرفته است. به همین دلیل دیگر احیای توافق ۲۰۱۵ برای واشنگتن معنا ندارد و کاخ سفید به دنبال تحمیل توافق جدید در سایه ادامه سیاست «نه توافق، نه بحران» است؟

اگرچه ایران در حوزه سیاست خارجی دچار اشتباه محاسباتی شده است، اما در آن سو نیز باید این نکته را مدنظر قرار داد که دولت بایدن هم مشخصاً در قبال پرونده هسته‌ای، احیای برجام و موضوع ایران دچار اشتباه محاسباتی شده است. یعنی دولت بایدن سیاست عمل‌گرایانه خود را به تنش‌های کهنه بر جای مانده از دولت ترامپ گره زد؛ بنابراین بایدن هم فرصت توافق با ایران را از دست داد. به همین دلیل سیاست «نه توافق، نه بحران» تنها در یک بازه زمانی می‌توانست قابلیت اجرایی و عملیاتی پیدا کند، اما اکنون دیگر چنین فضایی وجود ندارد.

♦ **چرا؟**
چون فرصت‌ها، هم برای ایران و هم برای آمریکا درخصوص احیای برجام از دست رفته است. در حال حاضر نه واشنگتن و نه تهران دیگر نمی‌توانند مانند گذشته با همدیگر مذاکره کنند تا به توافق سال ۲۰۱۵ بازگردند.

♦ **با انکا به چه دلیلی چنین باوری دارید؟**

چون به نظر من تاریخ مصرف توافق ۲۰۱۵ و احیای برجام در هنگامه جنگ اوکراین سیری شد و به پایان رسید. مضافاً لازم به ذکر است در شرایط کنونی ما با فقدان طرح ابتکاری عملی و راهگشا مواجه هستیم. مگر اینکه در پشت پرده و با انجام مذاکرات محفی و چراغ خاموش طرح‌های ابتکاری و مذاکراتی بر سر توافق جدید صورت گرفته باشد. البته من بر این باورم که اگر طرحی هم در این میان وجود داشته باشد، نه طرح بر سر توافق، بلکه در شرایط کنونی طرحی برای جلوگیری از تصاعد تنش خواهد بود.

♦ **با این اوصاف راه‌حل جایگزین چیست؟**

من به توافق تازه اشاره کردم. به نظر من اگر طرفین می‌خواهند به توافق برسند مجبورند روی یک توافق تازه تعامل، مذاکره و گفت‌وگو کنند. در این توافق تازه هر کدام از طرفین خواسته‌های مطالبات، انتظارات و پیش‌شرط‌های خود را دارد. ایران به دنبال توافقی است که به آمد و شد دولت‌های آمریکا تغییر پیدا کنند و در مقابل واشنگتن هم سعی دارد توافقی را با تهران مشکل دهد که علاوه بر حوزه هسته‌ای در دیگر مقولات ایران را محدود کند. این نگاه جدید برای شکل‌گیری توافق جدید سبب شده است که نگاه دو طرف از همدیگر دور و دورتر شود. هرچند توافق تازه را در‌احل می‌دانیم، اما در عین حال معتقدم تا اطلاع ثانوی آینده روشنی برای حل‌وفصل پرونده

و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه هم در آن جای می‌گیرند، تابعی از تحولات بین‌المللی است. به این معنا که اگر روابط ایران با قدرت‌های بزرگ درست شود، به تبعش مناسبات تهران با بازیگران منطقه‌ای هم در مسیر درست هدایت می‌شود؛ ولی لزوماً روند عکس آن صادق نیست؛ چراکه در اثرگذاری مستقیم احیای روابط ایران و عربستان بسر روابط تهران با قدرت‌های بزرگ باید تشکیک کرد؛ منافع قدرت‌های بزرگ تابع ملاحظات منطقه‌ای نیست؛ بنابراین پیامد روابط ایران و عربستان، الزاماً به معنی بهبود روابط ایران و غرب نخواهد بود. درعین‌حال باید در نظر داشت که اکنون وضعیت اقتصادی و معیشتی و نیز تحولات سیاسی و اجتماعی شرایط خاصی دارند. در کنار آن چالش‌های سیاست خارجی کشور در سال گذشته با تمرکز بر سه موضوع جنگ اوکراین، اختلافات پادمانی و آینده برجام و نیز موضوع حقوق بشر کماکان بلاکلیف مانده است. به‌همین‌دلیل باید آینده برجام در سایه احیای روابط تهران - ریاض به شکل دقیق‌تر بررسی شود تا به این سؤال پاسخ داد که توافق یکن و احیای روابط ایران و عربستان از اهمیت احیای برجام کاسته است یا به موازات بهبود مناسبات منطقه‌ای تهران با کشورهای عربی همچنان مذاکرات هسته‌ای ضرورت خود را حفظ کرده است؟

کرده‌اند از دید اروپایی‌ها این عوامل مانع اصلی ازسرگیری مذاکرات و عدم احیای برجام است. بدیهی است که برلین، پاریس و لندن از هر طرفی مانع از پایان محدودیت تسلیحاتی تهران قبل از مهرماه سال جاری شوند. حتی به قیمت فعال‌کردن مکانیسم ماشه تا جنگ اوکراین بیشتر از این اوج پیدا کنند؟

ببینید برای اروپایی‌ها جنگ اوکراین فعلاً اولویت دارد و اتحادیه اروپا به موازات آنکه تمایلی به گفت‌وگو با تهران ندارد، اما مانند آمریکا، قاره سبز نیز پتانسیل تصاعد تنش را هم ندارد. من کفتم و دوباره هم تکرار می‌کنم اروپا از هر ابزار و اهرم فشاری برای جداکردن موضع ایران از روسیه در جنگ اوکراین استفاده می‌کند، اما نه به قیمت اینکه بخواهد تنشی به تنش اوکراین اضافه کند، بلکه اروپا سعی خواهد کرد به شکل هوشمندانه‌ای مدیریت تنش را در دستور کار قرار دهد.

♦ **روی فضای سکون هفته‌های اخیر بین تهران و آژانس هم تمرکز کنیم. با سفر رافائل گروسی در اسفندماه و توافق ایران و آژانس به نظر می‌رسید در همان روزهای ابتدای فروردین شاهد سفر هیئت فنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای عملیاتی‌کردن بندهای این توافق باشیم. هرچند در نشست خبری دوشنبه هفته جاری، ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه، از تعامل ایران و آژانس بر سر این توافق گفت. اما فعلاً شاهد حضور این هیئت نیستیم. آن هم در شرایطی که حدود یک ماه تا نشست فصلی شورای حکام باقی مانده است. آیا تهران مانند ادوار گذشته سعی می‌کند دیپلماسی در نقطه جوش را به فاصله دو یا سه روز مانده به نشست فصلی در دستور کار قرار دهد به امید آنکه مدیریت و کنترل شرایط را دست بگیرد؟**

شاید در دوره‌های قبلی ایران سعی کرده است چند روز مانده به نشست فصلی شورای حکام با اجازه‌دادن به گروسی برای سفر به ایران و انجام توافقات، اعضای شورای حکام را از صدور قطع‌نامه علیه ایران منصرف کند، اما به نظر من اکنون تهران سعی دارد عملیاتی‌کردن توافق اسفندماه با رافائل گروسی و اجازه‌دادن به هیئت فنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای حضور در ایران را به مابازا و دستاوردی از جانب آمریکایی‌ها گره بزند. چون تهران می‌داند که در این شرایط باید در قبال امتیازی که به آژانس می‌دهد امتیازی از آمریکا بگیرد. به همین دلیل تاکنون شاهد سفر هیئت فنی آژانس نیستیم. اگر طی روزهای آتی این هیئت به ایران سفر کند باید این احتمال را داد، تکرار می‌کنم این احتمال را داد که پشت‌پرده این واشنگتن حاضر به دادن امتیاز به تهران شده است.

♦ **پارامتر مهم دیگری که بر معادلات دیپلماتیک تهران اثر گذاشت، وقایع داخلی ایران در شش‌ماهه دوم ۱۴۰۱ بود. به باور شما این تحولات تا چه اندازه می‌تواند مسیر سیاست خارجی را در سال جاری تعیین و ترسیم کند؟**

موضوع ایران از نگاه دولت بایدن به دلیل تحولات داخلی کشور در هفت ماهی که گذشت به حدی تغییر یافت که سیاست‌های واشنگتن عملاً به عنوان بنزین روی آتش عمل کرد. این موضوع سبب شد دولت بایدن مذاکره با ایران و حل‌وفصل پرونده هسته‌ای را به عنوان یک برگ برنده انتخاباتی از دست بدهد وگرنه اگر نگاه بایدن تغییر پیدا نمی‌کرد دولت فعلی واشنگتن می‌توانست توافق با ایران را به یک برگ برنده انتخابات تبدیل کند. در حالی که اکنون افق روشنی برای مذاکره وجود ندارد. البته زرمزه‌هایی از جانب جریان‌های عمل‌گرای هر دو حزب جمهوری خواه و به‌خصوص دموکرات آمریکا مطرح است که اگر ایالات متحده به سمت تنش‌زدایی با ایران حرکت نکند آن زمان واشنگتن نمی‌تواند روی راهبردهای منطقه‌ای خود برای آینده حساب باز کند. اگر این نگاه جریان عمل‌گرا بتواند در دوران پیش از انتخابات محل توجه قرار گیرد این امکان وجود دارد که بایدن به سمت مذاکره و توافق با ایران به عنوان یک برگ برنده انتخاباتی پیش برود. با این حال باز هم تکرار و تأکید می‌کنم فعلاً تا اطلاع ثانوی فضای مثبتی برای مذاکرات هسته‌ای از جانب اروپا، آمریکا و ایران وجود ندارد. اگر مذاکراتی وجود داشته باشد برای احیای توافق سال ۲۰۱۵ نیست، بلکه مذاکرات احتمالی برای توافق جدید خواهد بود و فعلاً هم طرح ابتکاری عملی برای رسیدن به این توافق جدید وجود ندارد. ضمناً اگر طرح ابتکاری هم وجود داشته باشد امکان دارد در مذاکرات پشت پرده و چراغ خاموش پیش برود. پس فاصله زیادی تا رسیدن به نقطه ایدئال داریم.

♦ **روی وضعیت و فضای داخلی ایران توقف کنیم. اکنون مشکلات اقتصادی و معیشتی به نفعی سختی رسیده است. در کنار آن، چالش‌های سیاسی و اجتماعی نیز وجود دارد، آن هم در شرایطی که سال انتخاباتی است. به همین دلیل تهران سعی دارد از طریق دیپلماسی در سیاست خارجی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به تثبیت خود برای ازسرگیری گفت‌وگوهای هسته‌ای و توافق برای احیای برجام در کمترین زمان ممکن خبر داده است، هرچند هم‌زمان عنوان می‌کند از خطرات فرمز خود هم عدول نمی‌کند که بیشتر تحریک حرکت دیپلماتیک است. اما به باور شما ایران در شرایط کنونی حاضر به پذیرش هر توافق جدیدی خواهد بود؟ برخی منابع رسانه‌ای مانند بلومبرگ حتی از چراغ سبز تهران برای پذیرش توافق دوره دونالد ترامپ با ۱۲ پیش‌شرط مایک پمپئو خبر داده‌اند؛ آیا مانعی برای این توافق در داخل وجود ندارد؟**

ما باید ببینیم که چرا ایران به این نقطه رسیده است؛ شرایط کنونی نتیجه عملکرد یک طیف رادیکالی است که نگرش‌های خاصی دارند؛ نگرش‌هایی که در هیچ زمینه‌ای نمی‌توانند جامعه بدون بحران را برای خود تصور کنند. در این نگرش‌ها همواره باید چالش و تنش باشد که توجیهی برای بقای این طیف وجود داشته باشد. البته یک سسر دیگر جریان‌ی که باعث به وجود آمدن وضعیت کنونی ایران شده، منفعت کاسبان تحریم است…

ادامه در صفحه ۳